

دریچه

«یلدا» با دوبله آلمانی

در سینماهای آلمان اکران می‌شود

● فیلم سینمایی «یلدا» سومین ساخته بلند مسعود بخشی به تهیه‌کنندگی علی مصفا از ششم شهریورماه با دوبله آلمانی در سراسر آلمان اکران می‌شود. کمیانی لیتل‌دریم پخش‌کننده «یلدا» در آلمان، ضمن ارائه آتنوس آلمانی، بنا بر تقاضای سال‌ها نسخه زیرنویس با دوبله «یلدا» را اکران خواهد کرد. «یلدا» از ششم شهریور در آلمان، از ۲۶ شهریور در لوکزامبورگ، از ۳۱ شهریور در اتریش، از چهارم مهر در سوئیس و از ۱۶ مهر در فرانسه روی پرده خواهد رفت. «یلدا» تنها تولید مشترک جدی سینمای ایران در سال‌های اخیر و محصول شش کشور است. حقوق پخش سینمایی این فیلم توسط فروشنده و پخش‌کننده بین‌المللی کمیانی «پیرامید اینترنشنال» که توسط لویی مال فیلم‌ساز فقید موج نو پایه‌گذاری شده تاکنون به ۲۵ کشور جهان واگذار شده است. «یلدا»، منتخب هفتادمین جشنواره جهانی برلین، برنده جایزه بزرگ داوران جشنواره ساندنس آمریکا در سال ۲۰۲۰ و برنده جایزه بهترین فیلم‌نامه جشنواره صوفیه هم‌اکنون در سینماهای هنروتجربه در حال اکران است و تمامی درآمد آن از اکران سینمایی داخل کشور برای نجات جان دو زندانی محکوم به اعدام پرداخت خواهد شد. داستان این فیلم در مورد مریم کمیجانی، زن جوانی است که به دلیل قتل شوهرش به مرگ محکوم شده است. او در شب یلدا به استودیوی یک برنامه زنده تلویزیونی آورده شده است تا از طرف تنها فرزند مقتول یعنی مونا ضیا بخشیده شود اما مجموعه اتفاقات در صحنه و پشت صحنه این برنامه هر دو زن جوان را در چالشی جدی برای تصمیم‌گیری قرار می‌دهد. بهناز جعفری، صدق عسکری، بابک کریمی، آرمان درویش، فرشته حسینی، فقیهه سلطانی، فروغ قجاباکلو، زکیه بهبهانی، رامونا شاه، ساغر صباحی، حسن جودکی، محمد ساریان، کمال هاشمی، ولی‌الله ریگی، فرهاد فاکدار، لیلا شفاعی مهر، محمود ذوالفقاری، نسنا آفرنگه، مریم خداوردی، بنفشه غفاری، بهنام دآوری، سارا والیانی، بهرام افشار و فرشته صدرعرفایی بازیگران فیلم «یلدا» هستند.

پیام تسلیت برای درگذشت غریبانه یک هنرمند تئاتر

● مسعود سمیعی از هنرمندان استان لرستان که بیشتر به خاطر نمایش‌نامه‌هایش شناخته می‌شد و آثاری را در سالن‌های تئاتری تهران کارگردانی هم کرده است، روز گذشته، ۲۴ مرداد در ۶۷سالگی درگذشت. او که از رزمندگان دفاع مقدس هم بود، در ۴۰ سال گذشته در زمینه هنرهای نمایشی، نمایش‌نامه‌نویسی و کارگردانی مشغول بود و نگارش بیش از ۳۰ نمایش‌نامه را در کارنامه خود دارد. سعید اسد، مدیر مجموعه تئاتر شهر با انتشار متنی درگذشت این هنرمند را تسلیت گفته است. در متن تسلیت او آمده است: «هرکس که به‌راستی هنر را هم به برگزیند، علاوه بر حلاوتش، رنج و سختی‌اش را هم به جان می‌خرد. همین است که هنرمندبودن شجاعت ایستادن در میانه میدان رنج و لذت توأمان است.»

نگاه

«خیال حلاج»

● بی‌تردید حسین‌بن منصور حلاج به‌عنوان نامدارترین چهره در عرصه عرفان و تصوف از یک‌سو و به‌عنوان همارگراکتدی در برابر زهد ریایی و مبارزه با کسانیه که

از دین فقط به‌عنوان اسم شب استفاده می‌برند، برای ورود به کاخ جادویی قدرت در عرصه تاریخ از بلندآوازیکی خاص و کم‌نظیری برخوردار است. داستان خیال حلاج قصه یک دانشجوی دوره دکترا است که به خاطر آنکه تشر را دربرابر زندگی و اندیشه‌های حسین‌بن منصور حلاج انتخاب کرده بود، مدرک دکترا را از او دریغ می‌کنند و علاوه بر اخراجش از دانشگاه، به بهانه حفظ آذهان دانشگاهیان از تشویب، علیه او در دادگاهی اقامه دعوی می‌کنند و جلسه دفاع از تز دکترا به جلسه دفاع از خود در دادگاه ختم می‌شود. نویسنده با طرافت تمام آن دادگاه را با دادگاهی که حسین‌بن منصور حلاج را در آن محکوم به اعدام کردند، مقایسه می‌کند و به‌ویژه در بخشی از داستان که هیئت داوران در جلسه دفاع از نوری ابراهیم (همان دانشجوی دوره دکترا) می‌خواهند که توبه‌نامه بنویسد، درست مثل همان رفتارای است که مسئولان دادگاه حلاج با او کردند. وقتی این دانشجو در رؤیای خود حلاج را می‌بیند که سراغ او آمده، خطاب به او می‌گوید: «من را حدود هزارو صد سال پیش به جرم کفر و زندقه و الحاد محکوم به اعدام کردند، واقعا در شگفت‌ام که هزارو صد سال پیش تاکنون اندیشه این انسان‌ها هنوز همان است که بوده.» انسان‌هایی که از آسان تعبیر جاه‌طلب دارد. ارتباط این دانشجو با روح حلاج و مجموعه گفتارها و سخنان‌شان در واقع نقدی است شدید بر افرادی که سکنان‌های علمی و پژوهشی را در دست گرفته‌اند و با اندیشه‌ای مزدورانه علم را ذبح می‌کنند....

شرق: کمتر از یک سال دیگر هشتمین رئیس‌جمهور تاریخ جمهوری اسلامی ایران بر مسند ریاست دولت خواهد نشست و تا آخرین روز ثبت‌نام، کاندیداهای برای انتخابات ریاست‌جمهوری ۱۴۰۰، گمانه‌زنی برای ورود بسیاری از سیاست‌مداران به این رقابت انتخاباتی ادامه خواهد داشت. روزنامه «شرق» در نظر دارد در سلسله‌گزارش‌هایی به افرادی (از همه طیف‌های مختلف سیاسی از اصولگرا تا میانه‌رو و اصلاح‌طلب) بپردازد که در دوران سیاست‌ورزی خود این توان و انتظار را ایجاد کرده‌اند تا بتوانند سید رایبی برای رفتن به پاستور داشته باشند؛ اما گاه فرصت‌سوزی‌ها و گاه ناملایمات سیاسی روزگار ما، بخت و اقبالشان را برای پاستورنشینی کم کرده است. در این گزارش به محمدرضا خاتمی، نایب‌رئیس مجلس ششم پرداخته شده است:

بی‌گمان اگر سیدمحمدرضا خاتمی به هر دلیلی و با استفاده از هر ابزاری می‌توانست تأیید خود را از شورای نگهبان بگیرد، یکی از مهم‌ترین شانس‌های ریاست‌جمهوری شمرده می‌شد و نه لزوماً او شانس انتخابات ریاست‌جمهوری ۱۴۰۰ بود که پیش‌تر، بیشتر از امروز شانس داشت زیرا اکنون شرایطی به وجود آمده است که از یک‌سو اقبال مردم برای کنشگری سیاسی کاهش یافته و از سوی دیگر همان دسته‌ای که به‌طور سنتی به اصلاح‌طلبان رای می‌دادند و از زمره آرای خاکستری شمرده نمی‌شدند هم درحال‌حاضر به دلیل افتدنده‌هایی که به عملکرد دولت دوازدهم و مجلس دهم وارد شده، میل چندانی به اعتماد دوباره به جریان اصلاحات ندارند و به‌نوعی سرمایه اجتماعی این جریان سیاسی در این مقطع خاص قدری کاهش یافته است اما به گمان بسیاری از فعالان سیاسی هنوز برخی شخصیت‌ها به دلیل صفت شخصی خود سبب رای قابل‌توجهی دارند و حتی اگر ایشان به‌صورت مستقل هم وارد انتخابات شوند، می‌توانند رای نسبتاً خوبی به دست آورند؛ چه رسد به آنکه جریان و حزب متبوعشان هم از آنها حمایت کنند.

محمدرضا خاتمی از آن دسته سیاست‌مداران است و هنوز در میان خواص سیاسی و مردم محبوبیت دارد و حتی وقتی سال‌ها بعد از حوادث ۸۸ دادگاهش برگزار می‌شود، همچنان رسانه‌ها با وجود محدودیت‌ها اخبار آن را پوشش و نسبت به آن حساسیت نشان می‌دهند. با همه اینها چرا او نمی‌تواند رئیس‌جمهور شود؟ پیش از پاسخ به این پرسش باید مروری بر حیات سیاسی این شخصیت برجسته اصلاح‌طلب داشته باشیم.

محمدرضا خاتمی و انقلاب

سیدمحمدرضا خاتمی، فرزند آیت‌الله سیدروح‌الله خاتمی در ابتدای پیروزی انقلاب دانشجوی رشته پزشکی بود. او پس از انقلاب اسلامی به جهاد سازندگی پیوست و سپس در میان دانشجویان مسلمان پیرو خط امام در تسخیر سفارت آمریکا شرکت کرد. مدتی بعد به‌عنوان مشاور وزیر در وزارت ارشاد اسلامی در دوره وزارت عباس دوزدوزانی مشغول به کار شد. با آغاز انقلاب فرهنگی به سپاه پاسداران پیوست و در بخش‌های فرهنگی و تبلیغاتی آن مشغول شد. در همین دوره در عملیات بیت‌المقدس که منجر به آزادسازی خرمشهر شد، شرکت کرد و مجروح

شد. او مدتی معاون درمان وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی بود و در سال ۱۳۷۱ دوره تخصصی بیماری‌های کلیوی و مجاری ادراری را در لندن گذراند و پس از اتمام تحصیلاتش به کشور بازگشت.

دبیرکلی جبهه مشارکت

بعد از روی‌کارآمدن دولت اصلاحات به ریاست‌جمهوری سیدمحمد خاتمی جمعی از اصلاح‌طلبان از جمله سیدمحمدرضا خاتمی، سعید حجابیان، عبدالله رمضان‌زاده، مصطفی تاج‌زاده، محسن امین‌زاده و... اقدام به تأسیس حزبی به نام جبهه مشارکت ایران اسلامی کردند که دبیرکل این حزب تا سال ۸۵ محمدرضا خاتمی بود. در ابتدای تأسیس مشارکت، محمدرضا خاتمی از جایگاه سال‌های بعد خود برخوردار نبود؛ چنانکه خود او در جایی گفته بود: «آن زمان همه می‌گفتند به خاطر برادر رئیس‌جمهور بودن، دبیرکل شده است» اما او پس از رسیدن به نمایندگی مجلس از چنان موقعیتی درون جبهه مشارکت برخوردار شد که خودش گفته بود: «همان‌ها نگران انشعاب در حزب پس از رفتن من هستند».

التهابات مجلس ششم

یکی از مهم‌ترین بزنگاه‌های حیات سیاسی این شخصیت سیاسی بی‌تردید حضور و تأثیرش در مجلس ششم است که توانست به‌عنوان نفر اول تهران به این مجلس وارد شود. او درعین‌حال که دبیرکل حزب مشارکت بود، توانست به نایب‌رئیس‌ی این دوره مجلس هم برسد. محمدرضا خاتمی چندی‌پیش درباره آنچه در مجلس ششم گذشت، به خبرگزاری «ایرنا» گفته بود: «هدف همه جریانات اصلاحات این‌بود که با تصویب و اجرای لوایح دوگانه دو محور محقق شود؛ نخست انتخابات دموکراتیک‌تر شود و دوم اختیارات و قدرت رئیس‌جمهور تثبیت شود تا بتواند با اهرم قانون در مقابل سنگ‌اندازی‌هایی که علیه نهادهای منتخب صورت می‌گرفت و سنگ‌اندازان زیر بار پاسخ‌گویی و قبول مسئولیت آن هم نمی‌رفتند، بایستد. در مورد انتخابات همگی اصلاح‌طلبان مجلس متفق‌القول بودیم که تنها راه این است که قانون نظارت استصوابی یا اصلاح یا شفاف شود. حتی با اینکه می‌دانستیم شورای نگهبان در نهایت آن

سیاست . هنر

چرا محمدرضا خاتمی نامزد انتخابات ۱۴۰۰ نیست

محمدرضا خاتمی؛ در مجلس ششم متفق‌القول بودیم که نظارت استصوابی یا اصلاح شود یا شفاف



بی‌گمان اگر سیدمحمدرضا خاتمی به هر دلیلی و با استفاده از هر ابزاری می‌توانست تأیید خود را از شورای نگهبان بگیرد، یکی از مهم‌ترین شانس‌های ریاست‌جمهوری شمرده می‌شد و نه لزوماً او شانس انتخابات ریاست‌جمهوری ۱۴۰۰ بود که پیش‌تر، بیشتر از امروز شانس داشت زیرا اکنون شرایطی به وجود آمده است که از یک‌سو اقبال مردم برای کنشگری سیاسی کاهش یافته و از سوی دیگر همان دسته‌ای که به‌طور سنتی به اصلاح‌طلبان رای می‌دادند و از زمره آرای خاکستری شمرده نمی‌شدند هم درحال‌حاضر به دلیل افتدنده‌هایی که به عملکرد دولت دوازدهم و مجلس دهم وارد شده، میل چندانی به اعتماد دوباره به جریان اصلاحات ندارند و به‌نوعی سرمایه اجتماعی این جریان سیاسی در این مقطع خاص قدری کاهش یافته است اما به گمان بسیاری از فعالان سیاسی هنوز برخی شخصیت‌ها به دلیل صفت شخصی خود سبب رای قابل‌توجهی دارند و حتی اگر ایشان به‌صورت مستقل هم وارد انتخابات شوند، می‌توانند رای نسبتاً خوبی به دست آورند؛ چه رسد به آنکه جریان و حزب متبوعشان هم از آنها حمایت کنند.

را رد می‌کند، خیلی مصر بودیم که با استفاده از ظرفیت قانونی مجلس بحث نظارت استصوابی را به فرارندوم بگذاریم ولی با گرفتاری‌ها و دعوایی که به وجود آوردند، مجلس پس از رد لوایح دوقلو امکان اینکه چنین فرارندومی را تصویب کند، پیدا نکرد. آن‌وقت هر قانونی که ما در مجلس فکر می‌کردیم، قانون مفیدی است و شورای نگهبان آن را رد می‌کرد و با اعتراض ما به مجمع تشخیص مصلحت فرستاده می‌شد، این مجمع آن را بایگانی می‌کرد و در آنجا خاک می‌خورد و هیچ سرزنشت روشنی پیدا نمی‌کرد».

او درباره چگونگی تشکیل فراکسیون مشارکت هم گفته بود: «بعد از تعطیلی مطبوعات و قبل از آغاز به کار رسمی مجلس، ما فراکسیون مشارکت و فراکسیون دوم خرداد را تشکیل داده بودیم. در همین فراکسیون‌ها تصمیم گرفتیم بعد از بازگشایی مجلس اولین دستور کار ما اصلاح قانون مطبوعات باشد. برای اینکه معتقد بودیم بدون داشتن مطبوعات آزاد، اصلاحی صورت نمی‌گیرد».

یکی دیگر از مقاطع مهمی که در دوره نمایندگی او رخ داد، اصلاح قانون مطبوعات و حواشی پیرامون آن بود. خاتمی درباره آن مقطع گفته است: «از روزی هم که پا به مجلس گذاشتیم با کمک وزارت ارشاد و بخش‌های دیگر مرتبطی که وجود داشت و با بهره‌گیری از کارشناسان طرح اصلاح قانون مطبوعات را به مجلس ارائه دادیم. این طرح روند قانونی خود را طی می‌کرد. یعنی ابتدا در کمیسیون مربوطه درباره آن تبادل نظر و اصلاح می‌شد و بعد به صحن علنی مجلس می‌آمد. مدت‌ها هم طول کشید تا طرح برای بحث در صحن مجلس آماده شود؛ تاجایی‌که بادم هست کلیات آن هم در صحن علنی تصویب شد اما روزی که قرار شد ما وارد جزئیات و اصلاح بدهند آن شوم. در هیئت‌رئیس‌ه هم بحث‌هایی دراین‌باره شد. آقای کروبی هم گفت که من بر اساس حکم حکومتی اجازه نمی‌دهم این طرح در مجلس بررسی شود ولی ما این اقدام آقای کروبی را قانونی نمی‌دانستیم و می‌گفتمی فویش ما این طرح را تصویب می‌کنیم و شورای نگهبان آن را رد می‌کند».

بی‌گمان تحصن نمایندگان مجلس در پی ردصلاحیت‌هایی که در انتخابات مجلس هفتم

رخ داد، نه فقط یکی از پررنگ‌ترین بخش‌های حیات سیاسی محمدرضا خاتمی است بلکه یکی از حساس‌ترین مقاطع سیاسی در چهار دهه اخیر است. ماجرا به این شکل بود که در هنگام انتخابات مجلس هفتم، شورای نگهبان صلاحیت حدود نیمی از کاندیداهار ا احرارز نکرد. در میان رصلاحیت‌شدگان، عده کثیری از نمایندگان اصلاح‌طلب مجلس ششم قرار داشتند. ۱۳۹ نماینده در اعتراض به ردصلاحیت‌ها در مجلس شورای اسلامی تحصن کردند. خاتمی درباره آن دوران می‌گوید: «بیشتر از ۸۰ نفر از نمایندگان مجلس ششم برای مجلس هفتم رد صلاحیت شدند. ما تمام کوشش‌مان را انجام دادیم تا این روند را برگردانیم ولی موفق نشدیم. در نتیجه به مردم اعلام کردیم که این انتخابات مهندسی‌شده است. ولی برخی دوستان ما در تهران در انتخابات شرکت کردند و وقتی به دور دوم رسید، آنها هم متوجه شدند بنابراین از دور دوم انصراف دادند».

وقایع پس از انتخابات ۸۸

پس از انتخابات ریاست‌جمهوری سال ۸۸ و رایایی مجدد محمود احمدی‌نژاد به پاستور و بسیاری از اصلاح‌طلبان به نتیجه انتخابات اعتراض کردند. خاتمی در آن دوران مدعی تفاوت رای هشت‌میلیونی شد که بعدها همین ادعا باعث شد او تحت عنوان اتهامی نشر اکاذیب و تشویش اذهان عمومی دادگاهی شود. خاتمی در چند جلسه دادگاه خود بر موضع پیشین خود پافشاری کرد و برای آن مدارکی هم ارائه داد و البته حکم گرفت.

شانس ورود به انتخابات ۱۴۰۰

با توجه به آنچه گفته شد، چندان دور از ذهن نیست که محمدرضا خاتمی از سوی شورای نگهبان برای انتخابات ریاست‌جمهوری تأیید صلاحیت نشود و اگر چه باید او را به‌عنوان یکی از اصلاح‌طلبان بنام و محبوب در میان سرمایه اجتماعی اصلاح‌طلبان شناسایی کنیم، اما از نظر عملی او شانس بالایی برای ورود به عرصه انتخابات ندارد؛ هرچند شانس رای آوری بالایی دارد. این موضوع در حالی است که حتی وقتی برخی اصلاح‌طلبان نام او را برای ریاست شورای عالی سیاست‌گذاری اصلاح‌طلبان پیشنهاد دادند، طیفی از اصلاح‌طلبان این نقد را وارد کردند که با ریاست او بر شورای عالی، تلقی نهادهای رسمی بر رادیکال‌شدن دوباره جریان اصلاحات خواهد شد و ممکن است با نگاه بسته‌تری با دیگر اصلاح‌طلبان در انتخابات ریاست‌جمهوری برخورد شود.

به هر روی با گذری بر کارنامه سیاسی محمدرضا خاتمی، برخی او را نماد یک اصلاح‌طلب راستین که همیشه بر اصول اصلاح‌طلبی ایستاده می‌داند که در هیچ مقطعی سعی نکرده به هر قیمتی قدرت سیاسی را به دست بیاورد و برخی دیگر از اصلاح‌طلبان و نیروهای اصولگرا او را یک نیروی رادیکال قلمداد می‌کنند؛ با هر یک از این دو خوانش محمدرضا خاتمی شانشی برای انتخابات ریاست‌جمهوری ندارد و در بهترین حالت می‌توان امید داشت که حمایت او و نیروهایی از جنس او که در شرایط خاص فعلی هنوز از سرمایه اجتماعی بالایی برخوردارند، در توفیق یک نامزد اصلاح‌طلب مؤثر باشد.

گالری‌گردی

مانیفست کلازشده بر دیوار



حسین گنجی منتقد

● «تجربه ثبت نشانه‌های دیداری در متن، تجربه سده‌ها نقاشی است. هیچ‌یک از هنرهای تصویری دیگر از این تجربه بی‌نیاز نبوده‌اند». بابک احمدی در ادامه این گزاره در کتاب «از نشانه‌های تصویری تا متن» به شباهت‌ها و بیش‌ازآن به تأثیراتی اشاره می‌کند که نقاشی بر سینما و هنرهای تصویری بعد از خود گذاشته است. به اعتقاد احمدی و قبل از او اریک رومر سینما در کدگذاری و بیان تصویری و نمود و توجه به جزئیات به‌شدت وادمار و متأثر از هنر تجسمی و سرآمد آن نقاشی است. «نقاش همواره در کار گرینش است: گرینش موضوع و گرینش روش بیان. جدا از این او می‌تواند در موضوع دگرگونی ایجاد کند و آنچه را که به گمانش زشت و زائد می‌آید، دگرگون یا وارونه کرده یا تصویر نکند».

آثار موفق و همواره بر از ارجاع در نقاشی عموماً از همین جنس هستند. آثاری که توانسته‌اند مخاطب خود را به خوانش‌های چندباره وادار کرده و با ایجاد تغییرات یا کدگذاری در اثر خود مخاطب خود را در هر بار مراجعه با معنا و برداشت جدیدی مواجه کنند.

این ویژگی نقاشی که خود یکی از شاخص‌های متمایزکننده مدرن از کهنه است، باعث می‌شود نقاش راحت‌تر به مسائل اجتماعی، فرهنگی و حتی سیاسی جامعه پیرامونش پرداختگی با نشانه‌گذاری حرف‌هایی را درون یک قاب موجز و درعین‌حال متعنع، بسته‌بندی کرده و به مخاطب خود عرضه کند. حرف‌هایی که تنها با خارج‌شدن از اسلوب شناخته‌شده هنر مدرن و خروج از فرم‌های سنتی و رایج، قابل اجماع و بیان می‌توانست باشد.

مجتبی امینی در نمایشگاه «باز خواهم گشت» در گالری محسن با همین رویکرد و خاصیت نقاشی مدرن و با بهره‌برداری کاملاً اندیشه‌شده، از تنوعی از متریال‌های سخت و خشن، مانند چرم، آهن، سریش و... به‌نوعی حرفی از جامعه سوزده‌شده هنرمند است. حرف‌هایی از جنس دیگر می‌زند. حرف‌هایی که الهام‌گرفته از یک شهر است؛ ولی قابل تعمیم به همه شهرها در همه جهان می‌تواند باشد. مجتبی امینی با همین رویکرد و با توجه به آنچه در بالا به نقل از بابک احمدی آوردم، نزدیک‌ترین حال به سینما را در نقاشی شاید دنبال کرده است. او برای هر اثر



به‌نوعی سناریو و متنی در ذهن داشته است که سعی کرده برای بیان آن تصاویر را به شکل کلآژ در کنار هم تدوین کند و در نهایت به اثری دست یابد که پر از تاول‌های مختلف است و درعین‌حال حرف هنرمند کدگذاری شده و در آن به نمایش عمومی گذاشته شده است.

در این مجموعه آثار متن خود یک متریال است در دست هنرمند تا در کنار هم نشست دیگر اجزا و تصاویر به‌نوعی راهنمای خوانش و البته همارگراکتدی و لذت‌بخشی معنا را دنبال کرده و به دست آورد.

امینی با تنوع‌بخشی به متریال‌های قابل استفاده و در خدمت قراردادن آنها در راستای یک سناریو توانسته در هر قاب فیلمی کوتاه از آنچه فکر می‌کند محل تأمل یا توجه است، بسازد و ما را ساعت‌ها به آدم‌های قاب‌هایش و دردی که هرکدام در دل این سناریو تحمل می‌کنند، مشغول نقاش به این شکل با نشانه‌گذاری‌های پیدا و پنهان توانسته از سیاست به شکلی که مخاطب را دلزده نکند، حرف بزند و فضای نگاه نقاد خود را تا ذهن بازدیدکننده آثار وسعت بخشیده و با زبان تصویر، دیگاهت خود را فریاد بزند. این رویکرد قابل ستایش آثار اوست که ما را در انبوهی از آثار سانتی‌مانتال یا فرم‌گرا یا شعارزده که کوبی سال‌هاست زیر آوار هنر برای هنر مدفون شده‌اند، مانند قلابی در حجم وسیعی از آب گل‌آلود جذب کرده و به خود کشیده و میخکوب می‌کند. به عبارت دیگر نمایشگاه باز خواهم گشت به‌نوعی مانیفست اعتراضی هنرمند است که بر دیوار گالری به‌جای نوشته‌شدن، کلآژگونه قاب شده و در معرض دید عموم قرار گرفته است. معرض عمومی که خود در این حرف‌ها براساس نشانه‌های فراوان می‌تواند حرف‌های درگلو مانده خود را بیابد و با هنرمند در این معنا همداننداری کند.

آنچه شاید این آثار درخشان را از همان عموم دور می‌کند، نحوه قیمت‌گذاری آثار است که با قدری تأمل می‌توانست این آثار دغدغه‌مند را با استقبال بیشتر همراه کند؛ ولی نرخ‌گذاری اشتباه گاهی اثر را از هدف و حرف خود دور می‌کند.